

مراحل تربیت از دیدگاه قرآن، سنت و علم روانشناسی

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۲۳

دکتر جمال فرزندوحی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه رازی
طاهره حیدر نژاد؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

تربیت یکی از مقاصد وجودی انسان و امری ضروری برای حیات جامعه است که درجه رشد و تحول هر جامعه را نشان می‌دهد؛ اما از آنجایی که شرایط و ویژگی‌های تربیتی در مراحل مختلف زندگی کاملاً متفاوت است و به میزان رشد و کیفیت هر مرحله بستگی دارد از این جهت بحث از مراحل تربیت از اهمیت خاصی برخوردار است.

در این نوشتار، ابتدا تعریف دو مفهوم اساسی مقاله یعنی، مرحله و تربیت ارائه شده، آنگاه بر پایه این مقدمات، مراحل تربیت از دو نظر که یکی مربوط به قبل از تولد (مرحله جنینی) و دیگری مربوط به بعد از تولد (مراحل کودکی، نوجوانی و...) است به بررسی شده است. ضمن بررسی مراحل گوناگون تربیت، این نتیجه حاصل شد که اگر به فرایند تربیت که امری پیوسته و همیشگی است، از دوران کودکی و حتی پیش از آن توجه شود، بر سایر مراحل تربیت اثر می‌گذارد و تأکید آموزه‌های دینی و روان‌شناسی بر دوران کودکی، به این معنا نیست که جریان تربیت انسان، تنها محدود به این دوره است، بلکه پرورش و تربیت انسان در سراسر عمر او تداوم و امکان تحول و سازندگی نیز همواره وجود دارد. این مقاله به روش کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی و با بهره‌گیری از کتب تفسیری، تربیتی و روان‌شناسی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: مرحله، تربیت، رشد، کودکی، جوانی.

تربیت اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان و وسیله‌ای جهت هدایت و رشد اوست که در طول زمان و مرحله به مرحله پیش می‌رود. در منابع اسلامی و علم روانشناسی مراحل رشد و تربیت در ابعاد مختلف مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر پیامبران الهی که رسالت و مسئولیت تعلیم و تربیت جوامع بشری را عهده‌دار بوده‌اند، دانشمندان، فلاسفه و اندیشمندان هر جامعه و ملتی نیز همگام با آنان در این رهگذر می‌کوشیده‌اند. دانشمندان اسلامی نیز از آغاز قرن اول اسلامی تاکنون، به مدد قرآن و حدیث رهنمودها و تألیفات ارزشمندی از خود بر جای گذاشته‌اند که همه از آموزه‌های اسلامی الهام گرفته‌اند. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را از نقطه آغازین خلقت، یعنی زمانی که نطفه بوده تا آن هنگام که آماده افاضه روح می‌شود متذکر می‌گردد و پس از ولادت به بیان مراحل مختلف رشد او یعنی کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی می‌پردازد.

تربیت مستلزم هدف و غایتی است و این هدف مربوط به تصویری است که انسان دارد و رفتار او را ارزشمند می‌سازد. هر مرحله تربیتی نیازمند آن است که طبق مراحل روانی مربوط به آن دوره انجام گیرد؛ چون هر دوره ساختار روانی خاص خود را دارد. انسان، ترکیبی از استعدادها و قوای جسمی و روحی است. پیامبر گرامی اسلام در حدیثی انسان‌ها را به معادن تشبیه کرده و فرموده است: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» «مردم معدن‌هایی هستند همچون معادن طلا و نقره. چنانچه این استعدادها به شکوفایی و فعلیت نرسد، زندگی انسان بیهوده و عبث خواهد بود و کسی که هدف مشخص و اعتقادات راسخی دارد، هرگز بدین وضع راضی نیست، بلکه همواره در مسیر کمال گام می‌نهد و هر لحظه خود را به هدف نزدیک‌تر می‌کند. پس انسانی دور از تربیت، یعنی انسان دور از حیات فرهنگی و اعتقادی، دور از کمال و پیشرفت، انسان بی‌هدف و بالأخره انسانی دور از انسانیت است.

۱. مفاهیم

۱-۱. مرحله:

در فرهنگ‌های عربی المَرَحَلَة - ج مَرَا حِل [رحل]: مسافتی که مسافر در یک روز می‌پیماید، فترت و فاصله آمده است^۲ فرهنگ‌های فارسی نیز همین معنا را متذکر شده‌اند، منزل و مسافتی که مسافر در یک روز طی می‌کند؛ جای فرود آمدن و منزل بین دو منزل.^۳

بنابراین به اعتبار معنای لغوی مرحله به جایی که محل فرود و مبدایی برای حرکت است، اطلاق می‌شود.

۱-۲. تربیت:

تربیت در واقع معنایی گسترده و در عین حال پیچیده دارد. دانشمندان طبق تخصص و دیدگاهشان تعاریفی متفاوت ارائه کرده‌اند.

۱-۲-۱. **تربیت در لغت:** واژه تربیت مصدر باب تفعیل است. در قرآن ریشه‌ای که بهترین و مناسب‌ترین معنای واژه تربیت را افاده می‌کند، ریشه الرَّب یعنی (رب) است. الرَّب در اصل به معنی تربیت و پرورش است، یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد. راغب می‌گوید: رَبّ به طور اطلاق فقط بر خداوند اطلاق می‌گردد که متکفل به اصلاح موجودات است.^۴

۱-۲-۲. **تربیت در اصطلاح:** انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند.^۵

اما از نظر روان‌شناسان تربیت عبارت است از مجموعه وسائلی که به کمک آنها رشد و سازندگی زندگی انسان از جنبه‌های مختلف از جمله زیستی، روانی، اجتماعی... به وسیله آموزش و

یادگیری تجربه‌های مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و امکانات و تسهیلات آن را فراهم می‌کند.^۶

بنابراین تربیت در واقع عمل یا فعالیتی است منظم، هدفمند، مستمر که اثرسازنده بر روی جسم، روح، شخصیت و شایستگی مادی و معنوی فرد دارد و دارای دو مرحله است که یکی مربوط به دوره قبل از تولد که از عوامل موثر در این مرحله، خانواده و والدین و مرحله دوم هنگامی است که فرد پا به عرصه هستی می‌گذارد و تحت تاثیر عوامل تربیتی مختلفی قرار می‌گیرد که هر کدام از این مراحل خود به مراحل دیگری تقسیم می‌شوند.

۲. مراحل تربیت قبل از تولد

تربیت در زمان قبل از تولد مربوط به مسئله انتخاب همسر است؛ زیرا یکی از تاثیرگذارترین عوامل در تربیت آینده فرد محسوب می‌شود و از طرفی عامل وراثت در چگونگی رشد و شکل‌گیری شخصیت کودک، تأثیری شگرف و انکارناشدنی دارد. با وجود این، تربیت هر انسانی باید از قبل از تولد مورد توجه قرار گیرد و این مرحله خود به دو مرحله تقسیم می‌شود:

۲-۱. مرحله قبل از ازدواج

اسلام نقطه‌های آغازین تربیت کودک را نه تنها قبل از تولد، بلکه قبل از ازدواج می‌داند؛ چون زن و شوهر هر دو در ساختار جسمی و روحی فرزند تاثیر دارند. از نظر علم روانشناسی هم مسلم شده که صفات پدر و مادر، چه خوب و چه بد به واسطه زن‌ها به اولاد منتقل می‌شود. یکی از روانشناسان در رابطه با تربیت این مرحله می‌گوید: «از حکیمی درباره تربیت سوال شد که تربیت را باید از چه زمانی آغاز کرد؟ حکیم گفت: از بیست سال قبل از تولد و اگر به نتیجه لازم نرسیدند، معلوم می‌شود که باید زودتر از آن شروع می‌کردند».^۷ پس در جریان تشکیل نطفه نقش ژنتیک و سهم وراثت در تکوین شخصیت کودک به چشم می‌خورد.^۸ اسلام این موضوع را تاکید می‌کند و شاید آیه شریفه ذیل اشاره به همین قانون وراثت داشته باشد:

﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا...﴾ (الاعراف: ۵۸). زمین پاک نیکو گیاهش به اذن خدا نیکو برآید و زمین خشن ناپاک بیرون نیاورد جز گیاه اندک و کم ثمر...

﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ﴾ زمینی که قابلیت و استعداد کشت و زراعت و غرس اشجار داشته باشد. ﴿يَخْرِجُ نَبَاتَهُ﴾ گیاه، حبوب و میوه‌های خوشبو بیرون می‌آورد. ﴿بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾ به قدرت و ایجاد پروردگار. از این جمله استفاده می‌شود که قابلیت محل، شرط است. مجرد فاعلیت فاعل، کافی نیست. خداوند قدرت دارد که از زمین طیب خار و خس خارج کند. در نوع گلزارها خار و خس زیادی هم مشاهده می‌شود و در بیابان‌های لم یزرع گل‌های زیبا به وجود آورد. همچون پسر نوح و جعفر کذاب و محمد ابن ابی بکر.^۹ در تفسیر المیزان آمده است اعمال حسنه و آثار ارزنده از گوهر پاک سرچشمه می‌گیرد و خلاف آنها از خلاف آن.^{۱۰}

۲-۲. دوران بارداری و زمان جنینی

یکی از مهمترین عواملی که در تشکیل شخصیت فرد نقش دارد، توجه به نخستین مرحله رشد است، یعنی زمانی که نطفه در حال شکل گرفتن است و اسلام دستورات خاصی در این زمینه بیان نموده است. در آیات بسیاری به مراحل شگفت آور و بهت آور سیر نطفه در رحم مادر و چهره‌های گوناگون خلقت که یکی بعد از دیگری در آن قرارگاه امن و دور از دست بشر ظاهر می‌شود؛ اشاره شده است مانند آیات زیر:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...﴾ (الغافر: ۶۷) اوست خدای که شما را از خاک بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و آنگاه از خون بسته علقه سپس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد...

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ﴾ که آدم و حوا را از خاک خلق فرمود. همین جمله کافی است بر بعث یوم البعث که از همین خاک‌های ریخته شده و استخوان‌های پوسیده قادر است شما را زنده

کند، بلکه می‌توان گفت تمام افراد بشر از خاک خلق شده‌اند؛ زیرا نطفه از همین فواکه و حبوبات که از خاک به ثمر رسیده‌اند، تولید شده است.

﴿ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ﴾ که نطفه مرد با نطفه زن مخلوط شده و در رحم قرار می‌گیرد.

﴿ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ﴾ که بسته شده و مضغه شده و لحم و استخوان شده و صورت‌بندی شده و روح در او دمیده شده تا اینکه: ﴿ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا﴾.^{۱۱}

﴿... فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ..﴾ (حج: ۵).
ما شما را نخست از خاک آفریدیم. آنگاه از آب نطفه، آن گاه از خون بسته، آنگاه از پاره گوشت تمام و ناتمام ...

﴿فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ﴾ خدا، آدم پدر بزرگ شما را و حوّا، مادر بزرگ شما را از خاک که یک جمادی بیش نبود، خلق فرمود و طینت شما را از علیین یا از سجین گرفت و این حبوبات و فواکه از خاک بیرون آمد. نطفه شما را در صلب آباء و ارحام امّهات خلق فرمود. اصل تمام شما از خاک است.

﴿ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ﴾ که نطفه پدر و مادر را مخلوط و ممزوج در رحم مادر نمود:

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ﴾ (دهر: ۲)

﴿ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ﴾ که خون بسته است. ﴿ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ﴾ که گوشت جویده است. ﴿مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾ بعضی را در همان حال مضغه سقط می‌فرماید و بعضی را صورت انسانیّت می‌دهد.

﴿لَنُبَيِّنَ لَكُمْ﴾ بر این انقلاب صور ﴿وَوَقَّرُفِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ﴾ مدّتی در رحم منزلگاه شما قرار

دادیم. ﴿إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ اقل آن شش ماه و اکثر یک سال و نوعاً نه ماه. ﴿ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا﴾

و روز به روز رشد و قوّت به شما دادیم.^{۱۲}

این آیات به مراحل رشد جنین در رحم از آغاز بارداری اشاره می‌کند. بدین معنا که از هنگام بارور شدن تخمک‌ها به وسیله یکی از اسپرم‌های پدر، زیگوت که در قرآن به عنوان نطفه خوانده می‌شود، تشکیل می‌گردد و بعد تخمک بارور شده با تقسیم شدن متدرجاً شروع به تکثیر

می‌کند و تعداد سلول‌های آن اضافه می‌شود؛ اما به لحاظ حجم طی دو هفته اول تغییر محسوس مشاهده نمی‌شود. در این صورت علقه (خون بسته) را می‌سازد. آن گاه تخمک‌های بارور شده از تخمدان به رحم رفته و به آن می‌چسبند. در این مرحله غشاهای جنین به تدریج شکل می‌گیرد و بند ناف نیز که جنین را به جسم مادر به منظور دریافت غذا از خون مادر متصل می‌کند، به وجود می‌آید. در همین جا علقه به مضغه تبدیل می‌گردد. از این مرحله به بعد دستگاه‌های مختلف بدن به تدریج به وجود می‌آیند. ﴿مِنْ مَّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ﴾ این مرحله از رشد از پایان هفته دوم تا پایان ماه دوم طول می‌کشد. در پایان ماه دوم مرحله‌ای شروع می‌شود که جنین‌شناسان آن را مرحله جنین می‌نامند تا آن را از مرحله قبل مضغه متمایز سازد. در این مرحله حجم جنین به سرعت افزایش پیدا می‌کند و در اعضای آن تغییرات محسوس مشاهده می‌شود و این تغییرات تا پایان بارداری همچنان ادامه دارد.^{۱۳}

عده‌ای تصور می‌کنند که دوره قبل از تولد در سرنوشت و آینده فرد چندان تاثیری ندارد و به خصوص از نظر روانی این دوره را بلااثر می‌دانند. مطالعاتی که درباره طفل قبل از تولد به عمل آمده است؛ نشان می‌دهد که وضع مادر و تغییرات شیمیایی که در بدن مادر به وجود می‌آید؛ روی طفل تاثیر می‌گذارد.^{۱۴} بنابراین محیط قبل از تولد اهمیت بسیاری داشته و نه تنها در رشد جسمانی، بلکه در حالات روانی کودک آثار غیرقابل انکار دارد.^{۱۵}

از نظر اسلام اولین مسئله مورد توجه رعایت تقوا و ترک محرّمات توسط پدر و مادر و پرهیز از غذای حرام در زمان به وجود آمدن نطفه و شکل‌گیری سلول‌ها و در زمان قرار گرفتن این سلول در رحم و مراقبت‌های غذایی آن دوران است. تغذیه در خلق و خوی فرزند و سرنوشت او بهترین تاثیر را می‌گذارد. اگر لقمه ناپاک و حرام در گوشت و خون والدین نفوذ کند و از طریق آمیزش به جنین انتقال یابد؛ یک موجود مبتلا به ویروس و یک جنین مبتلا به امراض و ناپاکی شکل می‌گیرد که پالایش، تهذیب و ترکیه او پس از تولد بسیار مشکل است.^{۱۶} اهمیت تغذیه مناسب در این مرحله به حدی است که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شِرْكُ الشَّيْطَانِ^{۱۷} یعنی آن نطفه‌ای که از مال حرام به وجود آید شیطان در آن شریک است.

در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم به این مسئله توجه شده است. آنجا که می‌فرمایند:

الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ^{۱۸} انسان بدبخت، در شکم مادرش بدبخت است و انسان خوشبخت، در شکم مادرش خوشبخت است. از این حدیث شریف به دست می‌آید: با توجه به دو اصل مسلم (صادر نشدن شقاوت از خدا و اصل اختیار و مسئولیت انسان) فردی که اکنون شقی است، از همان شکم مادر هم در بستری از شقاوت به جود آمده است. لذا شقاوت و سعادت که در این جا اشاره شده اموری است که توسط پدر و مادر به جنین منتقل شده و در بستر وراثت جسمانی قابل تکثیر است، نه اینکه خداوند در خلقت ازلی و در مقام ذات، کسی را شقی آفریده باشد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که دوران حمل برای طفل سرنوشت ساز است و مادر باید متوجه باشد که تمام روحيات وی در بچه‌ای که در شکم دارد؛ اثر می‌گذارد و باید بکوشد؛ بهترین شرایط را برای تربیت فرزند در این مرحله به کار ببرد.

۳. مراحل بعد از تولد

قرآن کریم صریحاً به مراحل رشد انسان بعد از تولد اشاره کرده است؛ اما تبیین مراحل تربیت از دیدگاه قرآن مستلزم درک عمیق مراحل رشد است. در سوره حدید به مراحل بعد از تولد این گونه اشاره می‌کند.

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ...﴾
(الحديد: ۲۰) و بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه ایست طفلانه و لهو و عیاشی و زینت و آرایش و تفاخر و خود ستایی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان و...

علامه طباطبایی از شیخ بهایی نقل می‌کند که در این آیه شریفه به مراحل رشد انسان و خصلت‌ها و ویژگی‌های هر مرحله اشاره شده است.

- دوران بچگی و کودکی ﴿لَعِبٌ وَ لَهْوٌ﴾ در این دوران انسان سخت حریص بازی و به سرگرمی‌ها علاقمند است. این مرحله تا اوایل بلوغ ادامه دارد.

- دوران بلوغ و نوجوانی ﴿زِينَةٌ﴾ در این مرحله انسان به آرایش خود و زندگی‌اش بیشتر اهمیت می‌دهد.

- دوران جوانی ﴿تَفَاخُرٌ﴾ انسان در این دوران به امکانات زندگی بهتر و فاخر دل می‌بندد.

- دوران بزرگسالی و پیری ﴿تَكَاتُرٌ﴾ این دوران خود به دو دوره تقسیم می‌شود:

الف) دوران بزرگسالی ﴿تَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ﴾ در این مرحله به جمع آوری مال می‌پردازد.

ب) مرحله پیری ﴿تَكَاتُرٌ فِي الْأَوْلَادِ﴾ انسان در این مرحله به زیادی و تعدد اولاد اهمیت می‌دهد.^{۱۹}

انسان از دیدگاه قرآن موجودی درحال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره‌های مشخص تربیتی عبور می‌کند. در قرآن دوران زندگی انسان بعد از تولد به سه دوره مشخص: کودکی، بلوغ و پیری تقسیم شده است. مقوله تربیت، فارغ از جنبه بدنی و عقلی آن جنبه روحی و نفسانی را نیز شامل می‌شود و این سه باید به موازات یکدیگر و به طور صحیح تربیت شوند.

۳-۱. تربیت در دوران کودکی

انتقال از دوره جنینی به دوره نوزادی را شاید بتوان بزرگ‌ترین دوره انتقال در زندگی دانست که هر فرد آن را تجربه می‌کند در قرآن کریم در اشاره به این مرحله چنین آمده است:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...﴾ (الغافر: ۶۷) اوست خدایی که شما را از خاک بیافرید و سپس از قطره آب نطفه... پس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد...

﴿ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ﴾ یعنی سپس شما را از شکم مادران بیرون می‌آوریم طفلاً در حالی که طفل و ضعیف هستید.^{۲۰}

همین‌که کودک به دنیا آمد، نخستین اعمال تربیتی، حمایت از اوست. هدف این اعمال تسهیل سازگاری او با شرایط جدید زندگی است. باید برای او محیطی آرام فراهم آورد که با محیط پیش از تولد تفاوت چندانی نداشته باشد. او از محیط محدود و تاریک به محیط روشن و وسیع پا نهاده همه چیز برایش نامانوس و جدید است لذا باید قدم به قدم او را با محیط جدید آشنا کرد. روان‌شناسان این دوره را به سه دوره: کودکی اول (پس از تولد تا یک سالگی)، کودکی دوم (از یک تا سه سالگی) و کودکی سوم (از سه تا هفت سالگی) تقسیم کرده‌اند.

سه سال اول (کودکی اول و دوم) زندگی در واقع مرحله پرورش است. در این دوره تربیت همان پرورش کودک است. تربیت طفل شیر خوار همان تغذیه مناسب و در واقع با شیر مادر است؛ زیرا شیر مادر بیشتر از هر غذای دیگر با معده طفل سازگار است. شیر مادر تمام ویتامین‌های مورد نیاز را دارد^{۲۱} خدای تعالی امر می‌کند:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...﴾ (البقره: ۲۳۳) و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند...

صیغه مضارع در آیه در موقعیت امر قرار گرفته است که حاکی از وجوب شیر دادن به اولاد است؛ مگر اینکه عذری در کار باشد.^{۲۲} پس از آن، سرپرستی و حمایت طفل و ارضای نیازهای روانی و اجتماعی او از نظر تربیتی واجب است.^{۲۳}

دوره کودکی سوم (سه سالگی تا هفت سالگی)، بازی، شیوه طبیعی فعالیت در این دوره است. به عقیده کلاپارد عالم کودکی دوره بازی کردن است. فعالیت آمیخته به بازی مدتی پیش از سه

سالگی آغاز می‌شود و در سال‌های بعد گسترش می‌یابد. این بازی‌ها نتیجه احتیاج به آفریدن و جلوه شخصیت است که در این دوره ریشه عمیقی دارد.^{۲۴}

در حدیثی از امام صادق علیه السلام به این مسئله توجه شده است: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سَنِينَ» بگذار فرزندت تا هفت سالگی بازی کند.^{۲۵}

براساس حدیث فوق لازمه برخورد صحیح با فرزند این است که در هفت سال اول به جهت رشد عواطف کودک که مانند نهالی نورسته احتیاج به بالندگی و مراقبت دارد، باید احساسات و نیازهای او را درک نمود و آزادی لازم را در اختیار او گذاشت تا به مرحله شکوفایی جسم و جانش برسد و چون از پختگی عقل در این دوره هنوز برخوردار نیست و شانه‌های ضعیف او نیز برای پذیرش کارهای بدنی و مسئولیت‌های خانوادگی قدرت لازم را ندارد از او توقع کار و فرمان برداری نباید داشت و بازی بهترین روش است که می‌تواند به رشد همه جانبه کودک، یاری رساند.^{۲۶}

در این مرحله مسئولیت تربیت و مراقبت‌های رفتاری بیش از هر کس بر عهده پدر و مادر است. کودک، روحیه بسیار حساس و ظریفی دارد. اطراف او پر از انسان‌های مختلف است و امکان دریافت همه نوع رفتار و کردار و گفتاری از اطرافیان را دارد. امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

«وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ»^{۲۷} پسر من! قلب فرزند نوری مانند زمین خالی است؛ خالی از بذر و گیاه. هر تخمی که در آن افشاندن شود، همان رشد می‌کند. می‌توان گفت سال‌های نخستین عمر مناسب‌ترین موقعیت برای تربیت کودک است؛ زیرا فطرت دست نخورده و زمینه پذیرش کاملاً مساعد است، او به راحتی و آسانی فرمانبردار می‌کند و سریع‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هنوز در او عاداتی که مانع اطاعت او باشد، به وجود نیامده است و نیز اراده‌ای قوی ندارد تا او را از اطاعت باز دارد. پس ذهن کودک به مثابه کاغذ سفیدی است که می‌توان روی آن هر شکلی را رسم کرد. در این مرحله پرورش فطرت ایمانی و اخلاقی،

از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا بساطت، سادگی و عصمت کودک با زمینه فطری‌ای که دارد در سازندگی آینده او نقش حساسی ایفا می‌کند.^{۲۸} اگر در این دوره او را به حال خود رها کنند و یا او را به بی‌بند و باری در اموری که طبیعت و سرشت او اقتضای آن را ندارد، عادت دهند و سپس شروع به تربیت و تهذیب او کنند، پس از اینکه این عادات در او راسخ گشت، تغییر آنها در او کار دشواری خواهد بود.

کسی که در دوران کودکی آزادانه از تمایلات خود پیروی می‌کرده، در دوران رشد و بزرگسالی نمی‌تواند تمایلات خود را تعدیل و تنظیم کند؛ زیرا عاداتی که در دوران کودکی داشته، به صورت ملکه راسخ و پایدار در آمده است.

۳-۲. تربیت در دوران نوجوانی

نوجوانی، مرحله‌ای از رشد و بلوغ است که در آن فرد از وابستگی دوران کودکی به استقلال و مسئولیت‌پذیری جوانی و بزرگسالی منتقل می‌شود. در این دوره نوجوان با دو مسئله اساسی درگیر است:

- بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین، بزرگسالان و جامعه

- بازشناسی و بازسازی خود به عنوان یک فرد مستقل.

رفتار فرد در این دوره گاه کودکانه و گاه بزرگسال است. در طول این دوره معمولاً تعارضی بین

این دو نقش در فرد مشاهده می‌شود.^{۲۹}

این دوره از نظر اسلام سن تکلیف محسوب می‌شود که معمولاً در دختران زودتر از پسران آغاز

می‌شود و سه، چهار سال یا بیشتر طول می‌کشد؛ از مراحل مهم رشد و سازگاری اجتماعی شدن

آدمی است. این دوره، دوره‌ای است که با مراحل گذشته - کودکی - تفاوت فاحش دارد.

متخصصان و پژوهشگران علوم تربیتی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان اعتقاد دارند، نوجوانی مهم

ترین مرحله زندگی است. «از دیدگاه روان‌شناسان، دوره نوجوانی با بحران هویت همراه است و

فرآیند بلوغ که یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد است در این سن بروز می‌کند.^{۳۰} در این مرحله غرائز و احساسات رو به اوج‌گیری‌اند. قوا و استعدادها به جنب و جوش می‌آیند. عقل در آستانه رشد نسبی است. تضاد میان هیجان‌های عاطفی و غریزی خواسته‌ها و تجمل شخصیت از یک سو و گرایش‌های عقلی و علمی و انتظارات و مسولیت‌های اجتماعی از سوی دیگر، مرحله جدیدی را پیش روی نوجوان می‌گشاید. در قرآن کریم در اشاره به مرحله نوجوانی آمده است:

﴿وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَدَّذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾ (النور: ۵۹) و آنگاه اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند مانند سایر بالغان البته همه وقت با اجازه وارد شوند....

از دیدگاه قرآن، آغاز تغییر و تحولات جسمانی دوران بلوغ، مرز خروج انسان از دنیای کودکی و ورود به دنیای بزرگسالی است. از این زمان فرزندان در زمره کودکان نبوده و باید همچون بزرگسالان مودب به آدابی شوند. پدر و مادر اولین کسانی هستند که باید به این امر مهم توجه داشته باشند. در این آیه مراد از بلوغ حُلُم در حقیقت همان دوران نوجوانی و مدخل دنیای جوانی است؛^{۳۱} دورانی که با تحولات شدید جسمی، فکری، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی روبه رو می‌شود و حتی از دیدگاه برخی از روان‌شناسان عنوان «تولد دوباره» را به خود گرفته است.

از حساس‌ترین دوران حیات انسان از جهت تربیتی، همین دوران است و بیشترین مشکلات تربیتی در این دوره پیش می‌آید و اغلب در همین دوره است که فرزندان از مسیر مناسب تربیتی خارج می‌شوند یا در مسیر سعادت گام می‌نهند. به دلیل تفاوت شخصیت باید بیش از پیش تربیت را با تنوع و تفاوت طبیعت‌های فردی سازگار و متناسب نمود؛ بنابراین نمی‌توان با همه نوجوانان به یک شیوه رفتار کرد. پس باید عمل تربیتی را با واقعیت خلقی منطبق ساخت که آن خود بی‌نهایت متنوع و متفاوت است.^{۳۲} در این دوران چیزی که بر مشکل تربیتی نوجوان می‌افزاید، آسیب‌های اخلاقی است که از فضای فرهنگی و اجتماعی دامن‌گیر نسل نو شده است و جوامع انسانی، به ویژه کشورهای پیشرفته را با دشواری‌های جدی روبه رو ساخته است. تربیت

نوجوان باید به گونه‌ای باشد که او دچار گم‌گشتگی نشود. وی در اثر نفوذ غرائز به دنبال کشف مسائل جدید است و رفتار قهرمانه‌ای از خود بروز می‌دهد. از آنجا که نوجوان فاقد تجربه کافی است، این مسائل می‌تواند به عدم تعادل در زندگی او منجر شود.

در این دوران باید به تربیت بدنی، عقلی و اخلاقی نوجوان توجه شود؛ زیرا در این دوره تربیت شخصیت در درجه اول اهمیت قرار دارد. تربیت بدنی و جنسی و مخصوصاً تربیت اخلاقی به پرورش شخصیت تازه بالغ کمک می‌کند و دشوارترین تربیت شخصیت در دوره بلوغ، تربیت اخلاقی است. در این دوره ارزش‌های اخلاقی به اصول تبدیل نمی‌شود، بلکه در وجود سرمشق‌های انسانی تجلی می‌کند. نوجوانان این اشخاص نمونه را آینه آرمانی می‌دانند که خود آن‌ها را حس می‌کنند. والدین می‌توانند در این دوره آنان را وادار کنند، به ندای پاکان و قهرمانان گوش دهند^{۳۳} در این مرحله تربیت باید با درک اهمیت و موقعیت نوجوان صورت گیرد و با اقدام به برنامه ریزی مناسب و سنجیده در انتخاب بهترین راهبرد در تربیت نوجوان تلاش کرد.

۳-۳. تربیت در دوران جوانی

دوران جوانی از پربارترین دوره‌های زندگی انسان به شمار می‌رود. جوان در این دوران از استحکام و نیرومندی بی‌سابقه‌ای برخوردار است و در عین حال به حد بالای قدرت یادگیری خود می‌رسد و به فراگیری مطالب مورد علاقه‌اش می‌پردازد. بیشتر استعدادهای او به ظهور رسیده و علائقش سمت و سوی خاصی گرفته است.

پس جوانی دوره‌ای سرشار از انرژی است. دوران تربیت‌پذیری است و فرصتی است که در آن عقیده و اخلاق ریشه دار شده و فضایل و ملکات انسانی در جوان تثبیت می‌گردد.

دوره جوانی دوره انسجام هویت و مدخل زندگی بزرگسالی است. فرد در آن به کمال رشد بدنی خود رسیده است. توانایی‌های شناختی و زبانی و رشد اجتماعی او از کیفیت بالایی برخوردار است و تغییرات روانی مربوط به انسجام هویت وی نیز بسیار برجسته و شوق آفرین است.

جوانی، دوره قدرت و نیرومندی است. در قرآن کریم آمده است که خداوند انسان را با ناتوانی آفرید و سپس قدرت و توان جوانی را به او عطا نمود:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً...﴾ (روم: ۵۴). خدا آن کسی است که شما را ابتدا از جسم ضعیف بیافرید. آنگاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی پیری برگردانید... در اینجا قوت اشاره به دوران جوانی دارد. در جای دیگر از قرآن از مرحله جوانی به عنوان ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾ یاد شده است: ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى...﴾ (القصص: ۱۴) آنگاه به سن عقل و رشد رسید و حد کمال یافت...

بلوغ اشد به این معنا است که: انسان آنقدر زنده بماند و عمر کند تا نیروهای بدنش به حد قوت و شدت برسد و این غالباً در سن هجده سالگی صورت می‌گیرد.^{۳۴} در این دوره جوش و خروش در بدن جوانان به خوبی دیده می‌شود. قدرت بدنی مخصوصاً در پسران به سرعت افزایش می‌یابد. بر اثر تماس‌های اجتماعی که نسبت به دوره بلوغ متنوع‌تر است، شخصیت به جستجوی تعادل جدیدی می‌پردازد. فطام روانی پایان می‌پذیرد و روابط جدیدی با خانواده برقرار می‌شود. جوانان در این مرحله شیفته ارزش‌های فرهنگی اعم از ارزش‌های سیاسی یا هنری یا اخلاقی و دینی هستند. هریک از این ارزش‌ها منبع عاطفه مشخصی است و با تجربه خود شخص مطابقت دارد.^{۳۵} تربیت شخصیت جوانان بر سه اصل به هم پیوسته استوار است:

- استفاده از جاذبه ارزش‌هایی که جوانان را به تحصیل معلومات عمیق و یقینی وادار کند.
- اتکاء بر شور و التهابی که جوانان را به تعالی و در گذشتن از حدود شخصیت خود وادارد.
- پرورش هوش و اراده به نحوی که جوانان را از روشن بینی و خویشتن داری لازم بهره‌مند سازد.^{۳۶}

نظام تربیتی اسلام نسبت به جوانان و تربیت آنان اهتمام ورزیده و استفاده کامل و صحیح از زمینه‌های مساعد روانی و صفات نفس و قوای جوانی را مورد تاکید قرار داده است. اساس تربیت جوانان در خانواده است و باید بر مبنای محبت و دوستی بین اعضای آن استوار باشد. رفتار درست والدین و محیط گرم خانواده موثرترین عامل در رشد و رفتار صحیح نوجوان و جوان است. در این دوره جوانان باید مشغول به کار باشند؛ زیرا بیکاری آنان را به انحراف می‌کشاند. جوانان نه تنها باید به کار مشغول باشند، بلکه باید از یکدیگر سبقت بگیرند و با هم به رقابت پردازند. در قرآن کریم می‌خوانیم در انجام کارهای پسندیده از یکدیگر سبقت بگیرید ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ (البقره: ۱۴۸). منظور از امور خیر نه تنها مشاغل سالم، بلکه رقابت برای رشد بدنی و شکوفایی خود و رشد فکری و کمالات معنوی است. کار و رقابت باعث پیشرفت جوانان می‌شود و از فقر جلوگیری می‌کند.^{۳۷} در این دوره باید به جوانان در انتخاب دوست مناسب که در شکل‌گیری رفتار جوانان سهم مهمی دارد، کمک کرد و نباید والدین از روی بی‌اطلاعی، رفتار خشن و سرزنش‌کننده در مقابل ندانم‌کاری‌ها و خطای جوانان از خود بروز دهند؛ زیرا سرزنش آتش لجاجت را در آنان شعله‌ور می‌سازد.

احترام به شخصیت جوان و مسئولیت دادن به او از شیوه‌های مهم تربیتی شمرده می‌شود. جوان، با همه مشکلات و واقعیات دوره جوانی، برای ایفای نقش و انجام مسئولیت‌های مختلف توانایی بسیار دارد. عدم اعتماد به جوان و بی‌توجهی به توانایی‌های او مانع شکوفایی استعدادهاست و در نتیجه به عدم رشد مطلوب جوان می‌انجامد. یکی از مسائل تربیتی مهم در این دوره از نظر تعالیم اسلامی پرهیز از گناهان و حفظ عفت و نجابت است. در عین حال، در این تعالیم بر تشکیل خانواده و روابط زناشویی سالم نیز تاکید شده و راه حل مهم برای جلوگیری از انحرافات را فراهم آوردن امکانات برای ازدواج جوانان دانسته‌اند.^{۳۸} در این دوران اگر والدین بتوانند نیازهای جوان را به موقع شناسایی کنند و به آن پاسخ دهند، می‌توانند در جریان تربیت جوان مداخله موثری داشته باشند.

۳-۴. تربیت در دوران پیری

پیری دوره‌ای از زندگی است که با ویژگی‌های گوناگون شناخته می‌شود. دوران پیری، واپسین سال‌ها و روزهای زندگی است که پس از پیمودن دوره‌های مختلف رشد، از کودکی گرفته تا نوجوانی و جوانی و میانسالی، در تقویم زندگی فرد پدیدار شده و آدمی را در شرایطی متفاوت با دوره‌های پیشین قرار می‌دهد.

اگرچه در این دوران فرد از نظر زیستی رشد افزاینده‌ای ندارد؛ اما از نظر اجتماعی و انتقال فرهنگی نقش مهمی را در باز تولید فرهنگی و سپردن میراث‌های پیشین به نسل بعدی ایفا می‌کند.^{۳۹}

در بسیاری از آیات قرآن به دوره پیری این گونه اشاره شده است:

﴿وَمَنْ نَعْمَرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (یس: ۶۸) و ما هرکس را عمر دراز دادیم؛ به پیری در خلقتش بکاستیم. آیا تفکر نمی‌کنید؟

کلمه ﴿نَعْمَرُهُ﴾ از مصدر تعمیر به معنای طولانی کردن عمر است. تعمیر خانه را هم از این رو تعمیر گفته‌اند که باعث طول عمر آن است و کلمه ﴿نُنَكِّسْهُ﴾ از مصدر تنکیس به معنای برگرداندن چیزی است به صورتی که بالایش پایین قرار گیرد و نیرویش مبدل به ضعف گردد و زیادتش رو به نقصان گذارد و انسان در روزگار پیری همین طور می‌شود: قوتش مبدل به ضعف و علمش مبدل به جهل و یاد و هوشش مبدل به فراموشی می‌گردد.^{۴۰}

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا...﴾ (النحل: ۷۰) و خدا شما بندگان را آفرید و بعضی را به سن انحطاط پیری می‌رساند که هر چه دانسته همه را فراموش می‌کند...

کلمه ﴿أَرْدَلِ﴾ اسم تفضیل و به مفهوم رذالت و پستی است و مراد از ﴿أَرْدَلِ الْعُمْرِ﴾ به قرینه جمله ﴿الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ﴾ سن شیخوخت و پیری است که قوای شعور و ادراک در آن

انحطاط پیدا می‌کند و البته این انحطاط به اختلاف مزاجها مختلف می‌شود و غالباً از سن هفتاد و پنج سالگی شروع می‌شود.^{۴۱}

شخص بزرگسال اگرچه از نظر توانایی‌های عقلانی به کمال رسیده است؛ اما تا رسیدن به دوره پیری هم چنان به کسب اطلاعات تازه، معارف، حکمت و معارف ادامه می‌دهد. در دوران پیری نیروی جسمانی وی نسبت به دوران قبل به اضمحلال می‌رود و ممکن است توانایی عقلانی‌اش ضعیف شود. تحقیقات جدید ثابت کرده است که دریافت‌های مغزی انسان در این سن نوعی ضعف و انحطاط رخ می‌دهد. یکی از عواملی که به سرعت این ضعف و انحطاط کمک می‌کند، تصلب شرایین است که باعث کاهش اکسیژن در بافت‌های عصبی مغز می‌شود و این به نوبه خود توانایی مغز را در انجام وظایفش به حداقل می‌رساند. اصولاً همین تفاوت‌های فردی در مردم باعث می‌شود که آنها به اندازه هم، تحت تاثیر ضعف و اختلال پیری قرار نگیرند. پس در واقع در دوران پیری قوای جسمانی و عقلانی انسان رو به ضعف می‌رود.^{۴۲}

در تعلیم و تربیت جدید، معمولاً از کودکی، نوجوانی و جوانی سخن می‌گویند و تربیت بزرگسالان کمتر عنوان می‌شود. حال با پذیرش این مطلب که دوران کودکی، نوجوانی و جوانی مساعدترین دوره تربیت است؛ اما باید توجه داشت که اسلام تمام دوران عمر را عرصه‌گاه تعلیم و تربیت و تهذیب اخلاق می‌داند و به انسان اجازه نمی‌دهد در راه رشد و تکامل لحظه‌ای را از دست دهد و با روح یأس، تسلیم عوامل و شرایط گمراه کننده باشد. از این رو راهبردهای تربیتی اسلام به مقطعی خاص منحصر نیست، بلکه تمام مراحل زندگی انسان را شامل است.

هرچند تربیت در بزرگسالی مشکل‌تر از مراحل قبلی است؛ چون هرچه زمان می‌گذرد، صفات بد به صورت ملکه درمی‌آیند و تغییر دادن آنها مشکل خواهد شد؛ اما در هر حال باب تربیت و انسان‌سازی هیچ‌گاه بسته نیست. البته در این دوران انسان بیش از آنکه چشم به راه مریبان بنشیند، می‌بایست خود مربی خود باشد و از واعظ درونی بیش از واعظ بیرونی بهره گیرد.^{۴۳}

نتیجه گیری:

برنامه تربیتی اسلام، کلیه مراحل مختلف حیاتی انسان را در برمی‌گیرد. پیش از تولد و مراحل مختلف بعد از تولد تا لحظه مرگ، زیر پوشش برنامه‌ای قرار دارد که از روی الگوی صحیح و برنامه‌ای منظم در تمام جهات و جنبه‌ها و از ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین مراحل تربیت تا مراتب کمال روحی را شامل می‌شود؛ زیرا دستورات تربیتی اسلام، مانند حواس انسانی فقط به محسوسات توجه ندارد و شخص را برای یک زندگی کامل‌تر آماده می‌کند. این برنامه تربیتی، طوری تنظیم شده که در عین حال، افزون بر حیات مادی و ظاهری، به کمالات روحی و معنوی حیات ابدی نیز توجه کامل دارد. از این رو، برنامه سازندگی و تربیتی اسلام، مخصوص به مرحله معینی از زندگی نیست و تمام مراحل عمر آدمی را در بر می‌گیرد. این مراحل باید باتوجه به ویژگی‌هایی که روانشناسان برای هر مرحله در نظر گرفته‌اند انجام گیرد.

پس تربیت، کار ظریف و دشواری است و گذرگاه‌های دشواری دارد و تنها کسانی می‌توانند از این گذرگاه‌ها عبور کنند که دارای علم و تجربه باشند تا به نتایج دلخواه و مثبت برسند. سهل‌انگاری و کوتاهی کردن در هر مرحله از تربیت آثار زیان‌باری در تربیت، مرحله بعد می‌گذارد.

پی نوشت‌ها:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۸، ص ۱۷۷. *مطالعات قرآنی*
۲. انیس، ابراهیم، فرهنگ المعجم الوسیط، ص ۷۲۱. *مجله علوم انسانی*
۳. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، ج ۳۸، ص ۱۵۷.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۴۰.
۵. امینی، ابراهیم، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۲.
۶. مافون، رابرت، ریشه‌های روانی و رفتاری کودک، ص ۵۲.
۷. سادات، محمد علی، راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۱۲۱.
۸. مظاهری، حسین، تربیت فرزندان از نظر اسلام، ص ۲۷.
۹. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر قرآن، ج ۵، ص ۳۴۷.

۱۰. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۰۱.
۱۱. طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر قرآن، ج ۱۱، ص ۳۹۷.
۱۲. همان، ج ۹، ص ۲۶۷.
۱۳. نجاتی، حسین، روان شناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، ص ۳۲۳-۳۲۵.
۱۴. شریعتمداری، علی، روان شناسی تربیتی، ص ۹۳.
۱۵. شرفی، محمد رضا، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۹۳.
۱۶. موسوی زنجان رودی، مجتبی، تربیت مذهبی کودک، ص ۳۸.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ص ۲۲.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۴.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۸۹.
۲۰. طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر قرآن، ج ۱۱، ص ۳۹۷.
۲۱. دبس، موریس، مراحل تربیت، ص ۱۹-۲۰.
۲۲. طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۴۷۰.
۲۳. نجاتی، حسین، روان شناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، ص ۱۰۶.
۲۴. دبس، موریس، مراحل تربیت، ص ۶۹-۷۰.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۳.
۲۶. شرفی، محمد رضا، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۲۳۲.
۲۷. نهج البلاغه: نامه ۳۱.
۲۸. رهبر، محمد تقی، اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۱۴۸.
۲۹. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد، ص ۲، ص ۱۱.
۳۰. احمدی، احمد، روان شناسی نوجوان و جوان، ص ۱۷.
۳۱. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۷.
۳۲. امینی، ابراهیم، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۵.
۳۳. دبس، موریس، مراحل تربیت، ص ۱۶۰-۱۶۷.
۳۴. طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر قرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۳ - طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷.

۳۵. دبس، موریس، مراحل تربیت، ص ۱۸۷.

۳۶. همان.

۳۷. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد ۲، ص ۵۴.

۳۸. همان، ص ۵۶.

۳۹. همان، ص ۲۷۸.

۴۰. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۶.

۴۱. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۲۶.

۴۲. نجاتی، حسین، روان شناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، ص ۳۵۳.

۴۳. رهبر، محمد تقی، اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۱۵۲.

منابع:

۱. قرآن، مترجم مهدی الهی قمشهای، قم، انتشارات آیین دانش، چ ۱، ۱۳۸۴.

۲. نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، انتشارت نشتا، چ ۵، ۱۳۸۹.

۳. انیس، ابراهیم و همکاران، فرهنگ المعجم الوسیط، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی،

۱۳۷۲.

۴. احمدی، احمد، روان شناسی نوجوان و جوان، تهران، انتشارات ترمه، ۱۳۷۱

۵. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، ج ۲، تهران، کتابفروشی

مرتضوی، ۱۳۶۱.

۶. امینی، ابراهیم، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.

۷. حر عاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه، ج ۲۱، قم، موسسه آل البيت الاحیاء التراث، چ ۱، ۱۳۹۷.

۸. دبس، موریس، مراحل تربیت، مترجم علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۶۸.

۹. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، ج ۳۸، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۸۵.

۱۰. رهبر، محمد تقی، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاهها،

چ ۱، ۱۳۷۷.

۱۱. سادات، محمد علی، راهنمای پدران و مادران، ج ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۲. شرفی، محمد رضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۳، ۱۳۶۸.
۱۳. شریعتمداری، علی، روان شناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۵.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، چ ۲۳، ۱۳۸۶.
۱۵. طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات اسلام.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مترجم: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، چ ۳، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد (۲)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، چ ۱، ۱۳۷۸.
۱۹. مافون، رابرت، ریشه‌های روانی و رفتاری کودک، مترجم، محمد حسین سروری، تهران، انتشارات جانزاده، چ ۴، ۱۳۸۴.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳، بیروت، موسسه الوفاء، بی تا.
۲۱. مظاهری، حسین، تربیت فرزندان از نظر اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۷، ۱۳۸۶.
۲۲. موسوی زنجان رودی، مجتبی، تربیت مذهبی کودک، قم، انتشارات پرتو خورشید، چ ۳، ۱۳۸۹.
۲۳. نجاتی، حسین، روان شناسی رشد از کودکی تا نوجوانی، تهران، انتشارات مهشاد، ۱۳۷۳.
۲۴. نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روان شناسی، مترجم عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۳، ۱۳۷۲.